

رکاب بزن

استرست رو کم کن

تلفن همراه و

سرطان مغز



هفته رفیق! بزرگداشت
سید محمد سادات اخوی



یک سریال آمریکایی می‌خواهد نگاه جوانان ایرانی را تغییر دهد

افسران جنگ نرم آماده باش!



دوباره شهرزاد دوباره هیجان



درباره برنامه پربیننده «ماه عسل» که حالا بیش از ۱۰ سال از عمر حضورش روی آنتن می‌گذرد

شما قهرمان این داستان هستید

پنجشنبه ۱

۲۲ ژوئن ۲۰۱۷ | تیر ۱۳۹۶ | ۲۷ رمضان ۱۴۳۸

حضرت علی (ع):
روزه قلب بهتر از روزه زبان است و روزه زبان بهتر از روزه شکم است.
(غررالحکم و درالکلب، ج ۱، ص ۴۱۷)

اذان صبح: ۴:۰۲ | طلوع آفتاب: ۵:۴۹ | اذان ظهر: ۱۲:۰۶
غروب آفتاب: ۲۰:۲۴ | اذان مغرب: ۲۰:۴۵ | نیمه شب: ۰۰:۱۳

روزهای بلند تابستان رسید
دقیقاً می‌خواهید چکار بکنید؟

۹۳ روز

زنگ بازی

تفریح‌های خانوادگی و دوستانه را در برنامه تابستانی‌تان بگذارید. می‌توانید یک عصر تابستان با خانواده قرار پارک بگذارید یا برنامه‌های شتا و ورزش با دوستان ترتیب دهید. دیدن فیلم‌های خوبی که روی پرده سینماست هم می‌تواند گزینه بعدی باشد. اگر خواهر یا برادر کوچک‌تر دارید، زمانی را هم به او اختصاص بدهید؛ بازی‌های فکری در خانه یا بازی‌های پرتحرک بیرون از خانه (یا پارک یا حیاط) را با او انجام دهید. طفلی گناه نکرده که خواهر یا برادر شما شده است. وقتی با شما باشد، به او خیلی خوش می‌گذرد. مطمئن باشید.

زنگ ورزش

هرقدر هم آدم باحالی باشید، یک جایی رخوت و تنبلی به جانتان می‌افتد و بعد از مدتی می‌شوید یک آدم بی‌حال. برای آنکه به چنین موقعیتی دچار نشوید، چاره این است که زمانی را به سلامت و طراوت تن و بدنتان اختصاص بدهید. قرار نیست وزنه‌برداری کنید و تا آخر تابستان سهمیه المپیک بگیرید. در حد یک ورزش سبک ولی ثابت، خوب است. البته اگر واقعاً به یک رشته ورزشی خاص هم علاقه دارید، تابستان و وقت‌های خالی آن‌جا می‌دهد برای شروع یک مسیر جدید. کلاس‌های شنا هم یکی از بهترین گزینه‌ها برای تابستان است.

مواظب دزدها باشید

باید جلوی این موجود موزیک و مزاحم را بگیریم و از وسط زندگی‌ها برترش کنیم بیرون. بله، موبایل و تلفن‌های شما هم لویم که اگر بی‌دقت نگاه کنیم، ساعت‌ها از وقتتان را در ریزه‌انگاری‌ها و مانوریم با یک دنیا کار ندره. حالا کم‌وقت دست‌خوردتان است، مدیریتش کنید. حواص و نگاه وقت‌ها دست‌خوردتان با تدریس و تجربه ندهید موبایل با رفتن زردانه هم وقتتان را بربزد. البته مقدار کار زمان به آن اختصاص بدهید ولی همان اندازه که لازم است، نه بیشتر. یک راهکار این است که از قبل تصمیم بگیرید و برایش وقت بگذارید و یک ربع عصر به سرانجام موبایل بروید و برایش وقت بگذارید. البته از وسط روز یک کار ضروری هم پیش آمد، آن را انجام می‌دهیم ولی در لیست بیشتر از این حد به موبایل مضر خواهد بود.

زنگ کتاب

کتاب‌خواندن فقط برای استادان دانشگاه نیست. شما هم به عنوان نوجوانان فرهیخته این مملکت در فرصت تابستان دست به کتاب شوید. کتاب‌هایی که دوست دارید را یا بخرید و یا قرض بگیرید و بخوانید. روزانه زمانی را به این کار اختصاص دهید. شاید یک زمان خوب و مناسب، آخر شب و قبل از خواب باشد. مخصوصاً اگر رمان و داستان‌هایی جذاب در اختیار داشته باشید. البته وقتی کتاب خیلی جذاب باشد معمولاً اجازه نمی‌دهید دوباره آخر شب بشود و سریع‌تر آن را می‌خوانید که ببینید آخر ماجرا چه خواهد شد. می‌توانید از کتاب‌های کوچک‌تر و کم‌حجم‌تر شروع کنید تا زودتر به خودتان امیدوار شوید که کتاب را تمام کردید. خواندن کتاب خوبی‌های زیادی دارد که خودتان هم می‌دانید مانند افزایش اطلاعات، آشنایی با لغات و کلمات جدید و تأثیر مفید بر شیوه صحبت‌کردن. همچنین دیگران به شما به عنوان آدم اهل مطالعه نگاه می‌کنند. دیگر اینکه، اگر مطالعه قبل از خواب باشد، زودتر خوابتان می‌برد.

فضای تابشید

وقتی قرار است برای تابستان برنامه بریزید، یکی از مهم‌ترین کارها آن است که نگاهی به اطرافتان بیندازید و بعد دست به قلم شوید. مثلاً اینکه، تصمیم بگیرید کلاس اسکی روی موج بروید. وقتی شهر شما با دریا حداقل هشت ساعت فاصله دارد، شما روی کدام موج‌ها می‌خواهید اسکی کنید؟! یا وقتی بودجه خانواده برای کلاس‌های شما محدود است، برای ۱۵ کلاس به‌طور همزمان برنامه‌ریزی نکنید. حتی برای تفریحات خودتان به امکانات و شرایط دقت کنید. مثلاً شما برنامه می‌ریزید که اقامت یک‌ماهه در جزایر قناری داشته باشید ولی برنامه خانواده مسافرت نیمه‌روزه تا یک منطقه بیلاقی همین بغل گوشتان است. خوب معلوم است که افسرده می‌شوید. برنامه‌ریزی باید عاقلانه باشد تا به مرحله عمل برسد و وقتی عاقلانه است که امکانات، شرایط و محدودیت‌ها را در نظر بگیرید.

جوگیر نشوید

برایک ثبت‌نام کلاس‌ها که اوقات فراغت جوگیر نشوید. واقعاً دنبال همان کلاس بروید که به آن علاقه‌مند هستید. اینکه دخترزایی یا پسرزایی کلاس موسیقی می‌روید، دلیل نمیشود که شما نیز کلاس موسیقی بروید. اینکه دوست‌تان قرار است کلاس نقاشی بروید، دلیل نمیشود که آن نقاشی هم بروید. موقتاً با شما به استعدادها که خودتان نگاه کنید و خرج این را بکنید که رفتن به این کلاس در آینده شما چه نقشی را بازی می‌کند.

روزهای بلند تابستان رسید، دقیقاً می‌خواهید چکار بکنید؟

۹۳ روز

مریم نیک پور | فرق اساسی تابستان با بقیه فصل‌ها این است که برنامه‌ریزی برای تابستان دست‌خودتان است. یعنی صفر تا صد کار دست‌خود است ولی خوب، لازم است که در این مورد هم از خودت جنبه نشان بدهی. یعنی یک جورهایی ظرفیتش را داشته باشی و بتوانی با یک برنامه‌ریزی درست و اجرای صحیح، خودت را به بقیه ثابت کنی. ثابت کنی که می‌توانی خوب تصمیم‌گیری و اجرا کنی و لازم نیست همیشه یکی بالای سرت باشد. با این کار به بقیه این پیام را به‌خوبی می‌رسانی که من بزرگ شده‌ام و لطفاً مرا باور کنید. ولی اگر طوری رفتار کنی که اوقات تابستان را به هدر بدهی، بقیه هم روی تو حساب خاصی باز نمی‌کنند و همان بچه‌کچولی همیشگی برای آن‌ها باقی‌خواهی ماند. پس فرصت را از دست نده، دست به کار شو و تابستان‌ت را با دست‌های خودت بساز. تمام تابستان را مثل یک روز مدرسه در نظر بگیر و برای هر یک از ساعات‌های آن برنامه‌ریزی کن.

زنگ خانواده

تمام سال برای آنکه از زیر کارهای خانه شانه خالی کنیم، یک دلیل بزرگ داریم به نام درس‌خواندن. ولی انصافاً در تابستان کمی جبران کنیم. بگذاریم خانواده از اینکه ما کنارشان هستیم، احساس بهتری داشته باشند. بعضی از کارها را از اول تابستان بر عهده بگیرید و سعی کنید خیال مادرتان از این جهت راحت شود. این هم یکی از آن جاهایی است که حساسی احساس مفیدبودن خواهید کرد. ضمناً دعای پدر و مادر هم پشت سرتان است که خودش غوغا می‌کند.

زنگ هنر

قول می‌دهم که خیلی حالتان را خوب کند. ظرافت و دقت در کارهای هنری تأثیر خوبی بر روح و روان آدم دارد. شما هم خودتان را از داشتن این آرامش محروم نکنید. بهترین زمان نیز همین تابستان است. هنرمندبودن خیلی خوب است. علاوه بر آرامش، احساس اعتماد به نفس و توانمندی به شما می‌دهد. و یک‌جورهایی باورتان می‌شود که شما هم می‌توانید. شروع کنید و وارد دنیای هنر بشوید. شاید بعدها یکی از استادان بزرگ یکی از رشته‌های هنری شوید و یاد این مطلب بیفتید که چنین توصیه توپ و ارزشمندی به شما کردم.

زنگ کار

اول باید تصورمان در مورد کار را درست کنیم. کار کردن همیشه استفاده یک اداره بودن نیست، همین‌که شما دست به زانو بگیرید و بتوانید گره از کار یک عده باز کنید، خودش کار کردن است. خوبی کار کردن این است که آدم احساس مفیدبودن می‌کند. همین‌که توانسته‌اید برای بقیه کاری انجام بدهید، جای امیدواری است. با این روش هم برای خودتان پس‌اندازی دست و پا می‌کنید و هم یک حرفه را یاد گرفته‌اید. بهتر است کاری را شروع کنید که بتوانید در تابستان‌های بعدی هم آن را ادامه بدهید و کم‌کم حرفه‌ای شوید. خیلی از کارهای هنری برای دختران مناسب است و در خانه هم می‌شود با اختصاص یک فضای کوچک آن را انجام داد.

زنگ سفر

این قسمت را برای آن پیشنهاد می‌دهم که مختان قدری هوا بخورد. بروید به هر جایی که دلتان می‌خواهد. البته لازم است یادآوری کنیم که با خانواده هماهنگ باشید و ساز مخالف نزنید. سعی کنید پیشنهادات جذابی برای مسافرت در آستین داشته باشید تا دیگران هم استقبال کنند. مثلاً مناطقی که تا به حال نرفته‌اید را پیشنهاد بدهید و از قبل در مورد آن مناطق اطلاعات کافی به دست بیاورید. شهرهای ایران حرف ندارند؛ بس که در هر نقطه‌اش جذابیت‌هایی فراوان موج می‌زند. سوغاتی‌ها هم فراموش نشود لطفاً!



یک سریال آمریکایی می خواهد نگاه جوانان ایرانی را تغییر دهد

افسران جنگ — نرم — آماده باش!

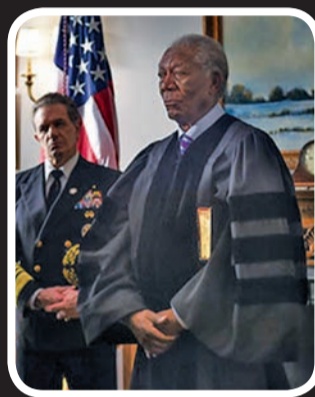


آمریکایی‌ها در صحنه‌ای از سریال «مادام سکرتری» به دنبال عادی‌سازی روابط ایران و رژیم صهیونیستی هستند. سریال خانم وزیر یا «مادام سکرتری» را آمریکایی‌ها ساخته‌اند که تا الان سه فصل از این سریال پخش شده‌است.

این سریال درباره زندگی حرفه‌ای و شخصی خانمی است که وزیر امور خارجه کشور آمریکا است. داستان سیرایان این سریال مثل فصل‌های قبلی این سریال، در قسمت سیزدهم فصل سوم دوباره به موضوع ایران می‌پردازند. جالب است بدانید که معمولاً این داستان‌ها به فضای پس از برجام و درگیری‌های ایران و رژیم صهیونیستی مربوط می‌شود؛ داستان‌هایی که گاه پیش از حد فانتزی و غیرقابل‌باور از آب درآمده، اما درحقیقت سناریوی تبلیغاتی رژیم صهیونیستی برای فرزندان ایران است.

آمریکایی‌ها پیشنهاد می‌دهند

شروع قسمت سیزدهم فصل سوم سریال مادام سکرتری با موضوع پیشنهاد برای برگزاری یک بازی فوتبال بین نونهلان ایرانی و اسرائیلی در کشور «اردن» از سوی همسر «الیزابت مک‌کورد» -وزیر خارجه- آغاز می‌شود. یک خاخام یهودی که طرفدار صلح بین ایران و رژیم صهیونیستی است، بانی این بازی دوستانه است؛ خاخامی که در ادامه داستان، زمانی که در یک راهپیمایی با هدف صلح شرکت کرده، کشته می‌شود. همان‌طور که می‌شود حدس زد، آدم خوبه ماجرا، خانم وزیر است که دوست دارد هرچیز شده بین دو کشور توافقی برقرار کند. او با مقامات عالی‌رتبه هر دو گروه جلسه می‌گذارد و آن‌ها را با هم رودرو می‌کند و خلاصه هرکاری که از دستش برمی‌آید، انجام می‌دهد تا دو کشور را برای صلح به توافق برساند و این‌جوری به همه جهانیان کمک کند. البته همه حساب و کتاب‌های خانم وزیر درست از آب در نمی‌آید؛ مثلاً اردن به دلیل نگرانی‌های امنیتی، بازی فوتبال بین نونهلان ایران و اسرائیل را لغو می‌کند، اما با تلاش خانم وزیر، بازی در یکی از محله‌های شهر واشنگتن برگزار می‌شود. تماشاچیان ایرانی همچون عده‌ای غیرمتمدن نمایش داده می‌شوند و تماشاچیان اسرائیلی مانند مردمان متمدن، در نهایت پس از آن که یک گل زده می‌شود، نونهلان هر دو تیم در اقدامی غیرمنتظره و مصنوعی با خوشحالی یکدیگر را در آغوش می‌گیرند. در واقع این سریال مدعی است که نسل جدید ایرانی‌ها و اسرائیلی‌ها به دشمنی میان یکدیگر اعتقادی ندارند.



به این می‌گویند جنگ نرم

شاید با خواندن خلاصه داستان، یک‌جایی حرصتان درآمده باشد و یک قسمت‌هایی هم به ساده لوحی سازندگان این سریال خندیده باشید، اما حقیقت این است که سازندگان این داستان‌ها خیلی هم ساده‌لوح نیستند و خیلی نرم و زیرپوستی در دل یک سریال تلویزیونی در حال نقشه کشیدن و توطئه هستند؛ نقشه‌ها و توطئه‌هایی که می‌شود اسمش را جنگ نرم هم گذاشت. به‌عنوان مثال خانم وزیر در این سریال به‌راحتی رئیس جمهور ایران را ملاقات می‌کند. ایرانی‌ها در داستان با اسرائیلی‌ها در آتش‌بسی به‌سر می‌برند و با مقامات این رژیم سر میز مذاکره می‌نشینند. از همه جالب‌تر شرط و شروط آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها برای ادامه مذاکرات است. کنترل سلاح‌های دفاعی، بیرون کشیدن نیروهای قدس از ۵ کشور و قطع ارتباط ایران با متحدینش، تعدادی از این شرط‌هاست که ایرانی‌ها به‌آسانی آن‌ها را پذیرفته و با همه‌چیز کنار آمده و همکاری می‌کنند تا رضایت آمریکا و اسرائیل را به‌دست آورند. اما این‌ها کافی نیست و تمام هم و غم خانم وزیر، مسئله «به رسمیت شناختن قانونی و رسمی اسرائیل» از سوی ایران است. وزیر خارجه آمریکا طی یک چانه‌زنی از رئیس جمهور ایران می‌خواهد که دست‌کم ارتباط با حزب‌الله لبنان به‌طور کامل قطع شود. رئیس جمهور ایران نیز قطع ارتباط با حزب‌الله را مشروط به رسمیت شناختن برنامه هسته‌ای ایران از سوی اسرائیل و اعمال همان بازرسی‌های هسته‌ای در مورد اسرائیل می‌داند. او تأکید می‌کند که این امر باید سریع و مؤثر باشد و در غیر این صورت، آتش‌بس به پایان خواهد رسید. در پایان مکالمه، رئیس جمهور ایران به خانم وزیر می‌گوید: «میوه نارسیده تلخ است. شاید خیلی زود به‌سراغ دوطرف برای تحقق صلح آمده‌ای. ما اکنون برای صلح آماده نیستیم».

رؤیایی که به کابوس تبدیل می‌شود

هرچند این داستان تصویری غیرواقعی از ایرانی‌ها را به نمایش می‌گذارد و در عوض آمریکایی‌ها را مصلح جهانی و همه‌کاره به تصویر می‌کشد، اما درحقیقت از رؤیای رژیم صهیونیستی که به رسمیت شناخته شدن توسط ایران و سایر کشورهای مسلمان است، حرف می‌زند؛ رؤیایی که صهیونیست‌ها برای موجه نشان دادن وجهه عمومی‌شان در دنیا به آن نیاز دارند، رؤیایی که هر ساله با ابتکار امام خمینی (ره) در آخرین جمعه ماه رمضان، مورد هدف قرار گرفته و به کابوس تبدیل می‌شود.

فارس

رکاب بز، استرست رو کم کن

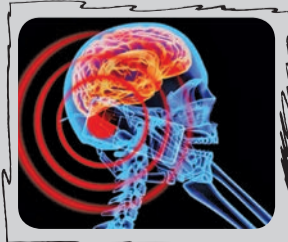


خبلی هم خوب

حتماً می‌دانید که یکی از نوستالژی‌های دانش‌آموزان پسر در کشورمان، رفتن با دوچرخه به مدرسه بوده است. نوستالژی‌ای که در این سال‌ها به‌علت دور شدن راه‌ها و البته حساس شدن مامان و باباها، جای خودش را به سرویس‌های مدارس داده است. حالا ما برایتان یک خبر داریم که ممکن است کمک کند هم شما و هم پدر و مادرتان از فردا با دوچرخه به مدرسه و سرکار بروید. آن‌طور که محققین فهمیده‌اند، افرادی که با دوچرخه به محل کار خود می‌روند، می‌توانند میزان استرس در محیط کار را بهتر کنترل کنند. این افراد نسبت به کسانی که با خودرو مسیر کار را طی می‌کنند، در فشار کمتری از استرس و ناراحتی هستند.

باشگاه خبرنگاران جوان

تلفن همراه و سرطان مغز



بهترین مواظب باشی

یک لحظه فکر کنید اگر این محققین و دانشمندان نبودند که به‌جای ما فکر کنند و بگویند چه کاری خوب است و چه کاری بد است، کار ما به کجاها که نمی‌کشید. به‌رحال محققان انگلیسی و هندی ادعا کرده‌اند که استفاده از تلفن همراه در طول روز بیش از حد مجاز باعث می‌شود که بخشی از مواد درون مغز از بین برود و در نهایت تنها چیزی که برای فرد به‌همراه می‌آورد، بیماری سرطان مغز است.

درباره برنامه پربیننده «ماه عسل» که حالا بیش از ۱۰ سال از عمر حضورش روی آنتن می‌گذرد

شما قهرمان این داستان هستید

علیرضا گرانبایه | ماه رمضان امسال هم به پایان راه رسید. حالا بهترین زمان ممکن برای بالا و پایین کردن پرونده تلویزیون در یک ماه گذشته است. خوشبختانه یا متأسفانه، هرچه برنامه‌ها و سریال‌های سیمایا بررسی کردیم، باز هم «ماه عسل» را بهترین گزینه برای نقد و بررسی دانستیم. خوشبختانه از این لحاظ که کار ما برای تمرکز بیشتر روی یک برنامه راحت‌تر شد و متأسفانه به این علت که باز هم مثل چندین سال گذشته در غیاب «پایتخت» سیروس مقدم، هیچ سریالی نتوانست موج خوشایندی در بین مخاطبان ایجاد کند تا جایی که تلویزیون برای پر کردن کنداکتور خود مجبور به استفاده از سریال‌های خارجی شد! خلاصه آنکه می‌خواهیم کمی در مورد «ماه عسل» و احسان علیخانی و نکات مثبت و منفی این برنامه پربیننده تلویزیونی با هم حرف بزنیم.

باید مورد آقا با سلاقی مخت به این سؤال شاید همین ابتدای کار مشا یک از ما که چند سالی نشستیم، برای خودمان این زمینه داریم، احسان علیخانی شاید یک پاسخ خوب به این پرسش در ۲ سالی که مجری «ماه عسل» مخاطبان این برنامه کاسته شد. زم قطعاً یکی از جواب‌های مهم است. افطار در ماه رمضان؟ همان زمانی که بیس مقابل تلویزیون لم بدهند. تمام این فرض ولی احتمالاً باید رمز موفقیت ماه عسل جنس «ماه عسل» کاملاً متفاوت از برنامه ابتدایی این برنامه در صدا و سیما متداول بر اکثر با حضور چهره‌های شناخته‌شده سیاست می‌شد تا مجری بتواند به کمک محبوبیت مهمم را افزایش دهد. مثال این برنامه‌ها هم «شب ش رشیدپور بود که توانست کلی مخاطب را با خ کند. احسان علیخانی در «ماه عسل» به سراغ از حضور در برنامه، هیچ‌کسی از آن‌ها شناخت برای ما قهرمان‌هایی خلق کرد که ظاهراً هیچ قهرمان‌هایی که می‌توانستیم به‌راحتی با آن کنیم و خودمان را در موقعیت آن‌ها قرار ده



«تود» بدون عادل فر مسعود فراستی و «م پربیننده صدا و سیم مهمان‌ها و پُرویی‌های بتواند ۱۰ سال در کن برگ‌های برنده «ماه صدا کرده است (ال موسیقی پاپ ش آهنگ‌های ای دکور و مخا

ترور سرچشمه

طبقه دوم خانه‌ای قدیمی در مرکز شهر، این روزها لوکیشن اصلی «ترور جدیدترین اثر مستند «محمدحسین مهدویان» شده و قرار است نود درصد از فیلم‌ب محل انجام شود. ده درصد باقی‌مانده هم مربوط به تصاویر آرشیوی است که طی چه به دست آمده است. این مستند که اولین اثر خود را در جشنواره سینمای حقیقت در با موضوع ترور شهیدای هفتم تیرماه، توسط کارگردانی که قبل تر با ساخت ماجرای ن داده که علاقه زیادی به این موضوع دارد، ساخته می‌شود.

قاتل اهلی اکران می‌شود

فیلم سینمایی قاتل اهلی به کارگردانی مسعود کیمیایی پروانه نمایش گرفته می‌شود. منصور لشگری فوجانی تهیه‌کننده با اشاره به اینکه در تدارک اکران گفت: تلاش داریم در پاییز و در مهرماه فیلم قاتل اهلی را اکران کنیم. وی با اشاره اهلی» یکی از بهترین آثار کیمیایی به شمار می‌رود. ادامه داد: حتی آن نسخه‌ای که در جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد نیز نشان می‌داد که فیلم بسیار خوبی است که اختلاف‌نظر‌هایی که میان ما وجود داشت به این فیلم کم‌لطفی شد. اما تأکید می‌کنم بهترین فیلم مسعود کیمیایی بعد از انقلاب است.



قهرمانان آشنا

پروژه برنامه «ماه عسل» در سال‌های مختلف مخاطبان تلویزیون را به خود جلب کرده است. اما این بار با چه تفاوتی روبرو هستیم؟ پاسخ در انتخاب بازیگران است. اما این بار با چه تفاوتی روبرو هستیم؟ پاسخ در انتخاب بازیگران است. اما این بار با چه تفاوتی روبرو هستیم؟ پاسخ در انتخاب بازیگران است.

مسابقه بدبختی

در طول یکی دو سال اخیر علی‌حسابی حواسش هست که با بغض و اشک سوژه به دست مردم و رسانه‌های مختلف برای متهم کردن «ماه عسل» به سیاه‌نمایی ندهد ولی حالا مشکل برنامه فراتر از این حرف رفته است. علی‌حسابی شاید بتواند با انتخاب سوژه مناسب و مدیریت رفتار خودش، گریه و اشک برنامه را کم کند ولی رفتار عجیب بعضی از مهمانان گاهی «ماه عسل» را به یک مسابقه دوی بدبختی تبدیل می‌کند؛ مسابقه‌ای که هر کدام از مهمانان سعی دارند خود را بدبخت‌تر از دیگران جلوه دهند! فردی به بهانه اهدای عضو مهمان برنامه است. بحث درباره کبد دریافتی فرد بالا می‌گیرد ولی به یکباره همه چیز تغییر می‌کند. مهمان موضوع حرف‌هایش را به سمت مشکلات دوران دبیرستانش می‌برد و از فقر آن دوران می‌گوید و اینکه برای به دست آوردن پول زندگی، یخ می‌فروخته است و... مهمان عزیز! این‌ها چه ربطی به پیوند کبد دارد؟ مردم با دیدن «ماه عسل» این حس را پیدا می‌کنند که گاهی باید خودشان را بدبخت‌تر از دیگران نشان دهند و باید برای خود حس ترحم بخرند تا بیشتر از دیگران به شهرت برسند. این همان مشکلی است که امسال بدجور گریبانگیر بعضی از مهمانان بود تا جایی که اصلاً متوجه نمی‌شدیم که دقیقاً بعضی از حرف‌ها چه ربطی به ما و میلیون‌ها بیننده دیگر دارد!

تیرهای تکراری

تیرتیر برنامه‌های احسان علی‌حسابی قابل پیش‌بینی است و همین موضوع به بزرگ‌ترین مشکل دو سه سال اخیر «ماه عسل» تبدیل شده است. تیرهای تکراری یعنی اینکه مردم با کمی ضرب خطا می‌توانند قبل از شروع ماه مبارک رمضان مهمانان و روند تولید برنامه ماه عسل را حدس بزنند. علی‌حسابی مثل قبل نمی‌تواند هر شب مخاطبانش را غافلگیر کند و برایش برنامه جدید داشته باشد. یک معتاد که خانواده‌اش او را رها کرده‌اند، یک اهداکننده عضو بدن، یک فرزند که از مادرش جدا شده و... مدل روایت موضوعات هم که پیش‌تر با حس غافلگیری شدیدی در مخاطبان همراه می‌شد، دیگر اصلاً و ابداً جذابیت ندارد تا جایی که مثلاً مردم روز قبل از حضور پدر خواهران منصوریان در برنامه، در صفحات اجتماعی به خواهرها هشدار داده بودند که احتمالاً با پدرتان روبرو شوید؛ کاری که شد تا مشخص گردد که دیگر دست تیم برنامه‌سازی «ماه عسل» برای مردم رو شده است. البته احسان علی‌حسابی در ابتدای اولین برنامه امسال خود تأکید کرد که برای چندین بار ایده یک برنامه جدید را به مدیران سیما داده ولی خوب، مدیران هنوز هم دلشان ساخت «ماه عسل» را می‌خواهد. شاید استدلال مدیران تلویزیون برای از بین نرفتن برند «ماه عسل» طبیعی باشد ولی خوب، کاملاً مشخص است که برنامه برای زنده ماندن در سال‌های آینده نیاز به تغییر و تحول جدی در سوژه‌ها و شکل پرداخت دارد.

برگ برنده



شما برای دیده شدن یک برنامه تلویزیونی نیاز به برگ برنده دارید.

دوسوی پور، «خندوانه» بدون شخصیت جناب‌خان، «هفت» بدون ماه عسل، بدون اجرای احسان علی‌حسابی نمی‌توانستند خودشان را در بین برنامه‌های ماه عسل قرار دهند. هر چه منتقدان از مدل رفتاری علی‌حسابی روی آنتن، پُرحرفی‌هایش مقابل شش انتقاد کنند ولی سخت می‌توان قبول کرد که این برنامه بدون اجرای مجری جوانش تاکتور شلوغ شبکه ۳ برای خودش جای ثابتی دست و پا کند. البته باید چند آیتیم دیگر هم به «عسل» افزود. تیرتیرهای ابتدایی برنامه به کمک دوستان خواننده آقای مجری همیشه مانند بمب بپزد. تیرتیراز امسال را نادیده بگیرید. مهدی پیراحی جوان به کمک همین برنامه توانست وارد دنیای سود و هنوز هم آهنگ مرحوم مرتضی پاشایی برای تیرتیراز «ماه عسل» به عنوان یکی از محبوب‌ترین سبب خواننده سرشناس شناخته می‌شود. حالا که حرف از برگ برنده به میان آمد، باید از طراحی‌های صحنه متفاوت «ماه عسل» هم حرف بزنیم؛ دکورهایی که نه تنها نمای بصری فوق‌العاده‌ای به طیبان تلویزیون می‌دهد بلکه کاملاً با حال و هوا و فرم برنامه هماهنگ است. البته دکور امسال هم اولین دستمایه شوخی با «ماه عسل» را در فضای مجازی فراهم کرد؛ شوخی‌هایی که دکور این برنامه را با ترکیدن یک تخم مرغ در مایکروفر مقایسه می‌کردند!

دوباره شهرزاد دوباره هیجان



پس از یک سال، پخش فصل دوم سریال شهرزاد از روز دوشنبه ۲۹ خردادماه در شبکه خانگی آغاز شد و طرفداران این سریال دوباره شاهد اتفاقات مختلف پیرامون شهرزاد و افراد اطراف وی هستند. فصل دوم شهرزاد در ادامه اتفاقات قسمت پایانی فصل اول شروع می‌شود. فصل پیشین با مرگ بزرگ آقا و مراسم عروسی شهرزاد و فرهاد پایان یافت. حالا قسمت جدید در حالی شروع می‌شود که شهرزاد و فرهاد مسرور بعد از ازدواج عازم ماه‌عسل می‌شوند و در موازات سفر این زوج، قباد درگیر مرگ بزرگ آقا و اتفاقات ناگوار پیش آمده است. قسمت اول شهرزاد ۲ حول معرفی شخصیت‌های جدید سریال از جمله عمه بلقیس می‌چرخد. پس از تشییع جنازه بزرگ آقا، عمه بلقیس، خواهر بزرگ آقا، از شهر کرمان عازم تهران می‌شود که تکلیف ارث و جانشینی برادرش را مشخص کند. ریتیم سریال به‌خوبی پیش می‌رود و به نظرم کارگردان قصد داشته است در قسمت اول تماشاگر را آماده وقوع اتفاقات غافلگیرکننده و جذاب در قسمت‌های بعدی سریال کند. رؤیا نونهالی، بازیگر نقش عمه بلقیس، در قسمت اول توانست بازی قوی و روانی را داشته باشد و چهره محکم و نگاه آرام او شخصیت بزرگ آقا را در ذهن بیننده تداعی می‌کند.

حسن فتاحی همیشه در کارهای خود تهران قدیم را به‌خوبی نشان داده است و تماشاگر را با حال و هوای تهران دهه ۴۰ و ۵۰ شمس آشنا کرده است. حال او در فصل دوم پا را فراتر گذاشته و بیننده شاهد شهر اصفهان قدیم است که یکی از بخش‌های جذاب این قسمت از سریال است. ما در سکانس‌های اصفهان شاهد مردمی هستیم که همچنان بر سنت‌های قدیمی خود پایبند بودند و حالت غربی و مدرن تهران آن دوران را به خود نگرفته‌اند. جریان داشتن زندگی با نمایش زاینده‌رود پرآب به‌خوبی به تصویر کشیده شده است. شهر اصفهان دارای آرامشی است که با حس و حال شهرزاد و فرهاد همسو است و نشان‌دهنده به آرامش رسیدن این زوج است و حسن فتاحی انتخابی هوشمندانه نسبت به انتخاب شهر اصفهان و میدان نقش جهان برای نشان دادن آرامش شهرزاد و فرهاد داشته است. امیر توسلی مانند فصل اول سریال شهرزاد، ساخت موسیقی متن فصل دوم این سریال را برعهده گرفته است و توانسته حال و هوای سکانس‌های مختلف سریال را به‌خوبی به تماشاگر القا کند. به‌عنوان مثال در سکانسی که شهرزاد و فرهاد در حال تماشای زیبایی‌های مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان هستند، موسیقی متن حالتی عاشقانه با سازهای سنتی دارد که حس عاشقانه و قدیمی سکانس را به‌خوبی به تماشاگر منتقل می‌کند. خوانندگان این فصل نیز محسن چاوشی و سینا سرلک هستند. محسن چاوشی تاکنون دو قطعه «فندق تمدار» و «ای دریا» را برای فصل دوم سریال شهرزاد منتشر کرده و چند قطعه دیگر نیز در ادامه سریال از این خواننده خواهیم شنید. گریم شخصیت‌های سریال شهرزاد در فصل دوم، دست‌خوش تغییراتی از جمله تغییر آرایش موی فرهاد و نوع پوشش بازیگران خانم سریال شده است. همچنین، یکی از نکات مهم فصل دوم، تغییر کردن بازیگر شخصیت سیمین، خواهر شهرزاد، است. بنا بر اخبار منتشرشده، مونا احمدی، بازیگر نقش سیمین در فصل اول، عازم یک تور اروپایی برای اجرای تئاتر بوده است و از نظر زمانی نمی‌توانست نقش سیمین را در فصل دوم ایفا کند. عوامل فیلم نیز تصمیم به تغییر بازیگر نقش سیمین گرفتند و بازیگر جدیدی با شباهت ظاهری نزدیک به چهره مونا احمدی جایگزین او کردند. هر چند ما هم مثل شما قبول داریم که قسمت اول، فصل دوم شهرزاد با استانداردهایمان از این سریال تفاوت دارد ولی خوب یادتان نرود که برای شروع داستان پرتنش بین قباد و شهرزاد و فرهاد باید به آقای کارگردان کمی بیشتر وقت بدهیم. هنوز اول راه است. چشم‌انتظار قسمت‌های بعد خواهیم بود.



«ماشین‌ها ۳» سبقت گرفت

برنده بزرگ این هفته در گیشه آمریکا فیلم سوم «ماشین‌ها»، جدیدترین محصول مشترک «دیزنی» و «پیکسار»، بود که با ۵۲/۵ میلیون دلار فروش افتتاحیه و شکست «زن شگفت‌انگیز»، صدر جدول پرفروش‌ترین‌های آخر هفته را به خود اختصاص داد. فیلم ابرقهرمانی «زن شگفت‌انگیز» هم بعد از ۳ هفته صدرنشینی بی‌پایی بالاخره به زانو در آمد و با بیش از ۴۰ میلیون دلار فروش آخر هفته در رتبه دوم قرار گرفت. برخلاف گیشه آمریکا، استقبال سینماورهای سایر نقاط دنیا از بازسازی «مومیایی» خیره‌کننده بوده تا جایی که فیلم جدید تام کروز برای دومین هفته بی‌پایی رکورددار فروش گیشه آخر هفته در سینماهای دنیا شده است. کل فروش جهانی محصول جدید «یونیورسال» تا امروز به مرز ۳۰۰ میلیون دلار نزدیک شده است.

مینای سریال «ایستاده در غبار»

مینای سریال «ایستاده در غبار» قرار است هم‌زمان با سالگرد رپوده شدن احمد متوسلیان از شبکه یک سیما روی آنتن رود. این سریال بر اساس فیلم تحسین‌شده محمدحسین مهدویان تولیدشده که توانست سیمرغ بهترین فیلم سی‌وچهارمین جشنواره فجر را نیز از آن خود کند. مینای سریال «ایستاده در غبار» در ۶ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای تولید شده و نسبت به نسخه سینمایی آن دقایقی بیشتری را به کودکی متوسلیان، درگیری‌های پیاپی، حضور «حمده» در بیروت و... اختصاص داده است. این سریال قرار است هم‌زمان با سالگرد ریایش جاویدالانور متوسلیان و هم‌راهانش، از جمعه ۹ تیرماه از ساعت ۲۲:۱۵ روی آنتن شبکه یک سیما برود.



و سرچشمه» برادر در این راه ماه تحقیق بآهد داشت، مرموز نشان



و به‌زودی اکران بین فیلم است، به اینکه «قاتل سی و پنجمین» متأسفانه در «قاتل اهلی»



عیدی به وسعت جهان
آغاز جشن‌های عید سعید فطر در میان مسلمانان سراسر جهان.



دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرندهای شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما دزدر به آنجا می‌رسیم.
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir

از خودت بر ایمان بگو

داد داد هشتاپی‌ها

گفت و گو با نوجوانی که کتاب موسیقی و ورزش دنیای او را می‌سازد
آینده آبی است



سید محمد سادات اخوی

هیه رفیقو! بیزنده

سلام رفیق! حواست به منه؟ می‌گم... من نوجوان بودم که با هیئت پدر بزرگم سفر کردیم به مشهد. تابستون بود و هوا داغ بود. بعضی از بچه‌های هیئت رو از تهران می‌شناختم و بعضی‌ها هم تازه وارد بودن. هنوز دو سه روز بیشتر نگذشته بود که با هم رفیق شدیم. اون موقع‌ها درس عربی تازه به کتاب‌های درسی ما اضافه شده بود و بعضی از بچه‌ها با به کم زبون عربی یا به ذره انگلیسی، هی به هم پز می‌دادن. به جای «متشکرم» و «دست شما درد نکته» می‌گفتن: «مرسی» و «شکر!» اما فرصت درست و حسابی‌ای جور نمی‌شد برای پز دادن! تا اینکه به روز در صحن «انقلاب اسلامی» حرم امام رضا (ع) مرد قد بلند عربی رو دیدیم که عبای مشکی‌ای روی شونه‌ش بود و با صدای بلند و به لحن عربی زیارت‌نامه حرم رو می‌خوند. دور و برش هم پز بود از عرب‌هایی که با دندانه و چادر عربی نشستند بودن و متن زیارت‌نامه رو باهوش تکرار می‌کردن. کلی ذوق کردیم. منتظر موندیم تا خوندنش تموم شد. تا خواست بلند شه و بره، به پز می‌چلو و با غلیظ‌ترین لهجه‌ای که بلد شده بودیم، سلام و علیک کردیم. سری تکون داد. فرصت رفتن بهشت ندادیم. چند نفری شروع کردیم به بلغور کردن حرف‌هامون به عربی دست و پا شکسته. خیس عرق شده بودیم. تند و تند حرف می‌زدیم و مرد عرب و همراش هم حاج و واج نگاهمون می‌کردن. ما هم کلی کیف کرده بودیم از اینکه فرصتی برای پزدادن به هم پیدا کرده بودیم! هرجا هم که گیر می‌کردیم، به‌زور از هم می‌پرسیدیم: فلانی! فلان چیز به عربی چی می‌شه؟! اگر هم نمی‌دونستیم، کم نمی‌آوردیم و جاش رو با جمله‌ای دیگه عوض می‌کردیم. تا اینکه یهو مرد عرب نگاهمون کرد و با ته‌لجه عربی گفت: خب فارسی بگین بچه‌ها! ما مال شو شتریم!
رفیق! پز بدی، خیط می‌شی. قریونت. تا بعد، خدا نگهدارت.



«علیرضا برات زاده» سعی می‌کند فعال و پر تلاش باشد. ساز می‌زند و موسیقی تدریس می‌کند؛ عضو تیم بسکتبال است و در کارگاه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم حضور فعالی دارد. در این گفت‌وگو با او بیشتر آشنا می‌شویم.

گیتار کار می‌کنم و در این زمینه تدریس هم دارم. فضای مجازی را دوست داری؟ چقدر از آن استفاده می‌کنی؟
به نظر من اگر از فضاهای مجازی مثل تلگرام درست استفاده شود، می‌تواند خیلی مفید واقع شود.

چه آرزویی داری؟
آرزو دارم با تلاش بتوانم در مسیر پیشرفت قدم بردارم و به آنچه که علاقه دارم برسیم. البته به بخشی از آرزوهایم رسیدم.

از چه زمانی عضو کانون پرورش فکری شده‌ای؟
از ۸ سالگی عضو کتابخانه شماره ۲ کانون پرورش فکری در پارک کودک مشهد بودم و تا الان هم هنوز خودم را عضو همین مرکز می‌دانم. کسانی که عضو کانون هستند، عموماً مطالعه آزاد بیشتری دارند و می‌توانند آنچه را که یاد می‌گیرند در زندگی استفاده کنند. این تفاوت اصلی است. ما خیلی وقت‌ها مسائل بسیاری را یاد می‌گیریم، اما کانون به ما یاد می‌دهد که از آنچه یاد گرفته‌ایم، در زندگی مان استفاده کنیم. به نظر می‌رسد اگر تعداد مراکز کانون بیشتر شود، می‌تواند مرکز پرورش نویسندگانه، هنرمندان و نخبه‌های آینده کشور شود.

گذشته و حال و آینده. درباره این سه واژه برایمان صحبت کن.

گذشته و سال ۹۵. یک سال خاکستری. دوستش نداشتم. به نظر من می‌آید که خیلی از زندگی‌ام لذت نبردم، هر چند موفقیت‌ها و پیشرفت‌های خوبی داشتم. اما در حال حاضر در تلاش هستم تا آینده بهتری بسازم. می‌خواهم آینده‌ام را آبی و پاک مثل آسمان رقم بزنم.

مشتاق خواندن یکی از نوشته‌هایت هستیم.

نرگس رو به آسمان، تمنای باران داشت. مدتی بود دست باران، تن نرم خاک را لمس نکرده بود. روی دیوار نشستند بودم. هر روز به اینجا می‌آمدم. هر روز تمام این راه را با شوق، با شوق روی تو، پرواز می‌کردم. از خانه بیرون می‌آمدم. لب جوی می‌نشستم. به راه می‌افتادم. چیزهای زیادی از دیدگانم می‌گذشت. پشت پنجره‌ای، مردی نشسته بود و قهوه‌ای تلخ می‌نوشید، شاید با کالی شیرین. بر که سوت و کور، شاد از شادی و جنب و جوش، حالا منم که همه‌ام به حال تو افسوس می‌خورد.

فرینده زاد و فریبا بمیرد
رود گوشه‌ای دور و تنها بمیرد

شندیم که چون قوی زیبا بمیرد
شب مرگ، تنها نشینند به کنجی
(شاعر استاد حمید شیرازی)

از خواب بلند شدم و به یاد آوردم که در خوابم و به یاد آوردم که کیوتری عاشق شدم. ماندم که این منم یا کیوتری عاشق.



من فوق العاده آمدم
خداشاکر که پروردم
اما از وقتی عضو کانون
پرورش فکری
شدم، در جمع بچه‌ها و با
شکرت در انجمن‌ها و
فضایته‌ها که متفرقی
کنم کم انگار می‌فکر
لانم را به دست آوردم.



با این حساب پسر فعال و پرتوانی هستی. در مورد داشتن اعتماد به نفس و تاثیر آن در موفقیت‌هایت صحبت کن.

من فوق‌العاده آدم خجالتی‌ای بودم. اما از وقتی عضو کانون پرورش فکری شدم، در جمع بچه‌ها و با شرکت در انجمن‌ها و فعالیت‌های مشارکتی، کم‌کم اعتماد به نفس لازم را به‌دست آوردم. محیط کانون پرورش فکری طوری است که به تو یاد می‌دهد با خودت و بقیه راحت باشی، توانایی‌هایت را بشناسی و آن‌ها را به کار بگیری.

جذب کدام‌یک از فعالیت‌های کانون شده‌ای؟

از همان سال‌های اولی که عضو کانون شدم، در کلاس‌های ادبی کانون شرکت می‌کردم و در این چندسال اخیر هم در جلسات انجمن ادبی کانون شرکت می‌کنم. نتیجه حضور در این کلاس‌ها و انجمن‌ها، داستان‌های متعددی است که نوشته‌ام و خودم از این کار لذت می‌برم. از شرکت در کارگاه‌های نمایشنامه‌خوانی، سفالگری و نقاشی هم بسیار لذت می‌برم.

دوستی در نوجوانی یک مفهوم و یک واژه مهم است. برایمان از دوستی‌هایت بگو!

به نظر من نوجوانی سنی است که باید هرچه در توان داری بگذاری و تلاش کنی تا از هر کسی چیزهای خوبی یاد بگیری تا در آینده بتوانی از آن استفاده کنی. من سعی کرده‌ام این‌طوری باشم و دوستان زیادی هم دارم. اما دوستی‌ها در کانون معمولاً دوستی‌هایی ماندگار است. چون هنر و ادبیات رنگ دیگری به دوستی‌ها می‌زند.

چه کتاب‌هایی و از چه نویسنده‌هایی می‌خوانی؟

کتاب خواندن و مطالعه را خیلی دوست دارم و آخرین کتابی هم که خواندم، کتاب «مدیر مدرسه» اثر «جلال آل‌احمد» بود. به نظر من سبک نوشتن خاص و جالبی دارد. خودم هم دستی در نوشتن دارم. سبک نوشتن من هم تا حدودی به نوشته‌های ایشان نزدیک است و به‌خاطر علاقه زیاد، تأثیر گرفته‌ام. نه این‌که تقلید کنم. به‌طور کلی کارهای یک هنرمند یا نویسنده خاصی را دنبال نمی‌کنم. هر موسیقی که مرا تحت‌تأثیر قرار دهد، گوش می‌دهم و اگر از کتابی خوشم بیاید آن را می‌خوانم.

چه چیزی در نوجوانی از همه قشنگ‌تر است؟

در نوجوانی آنچه از همه قشنگ‌تر است، انرژی و نیروی فراوان این دوره است که می‌توانی با کمترین خستگی کار کنی، بنویسی، ورزش کنی و ساز بزنی.

فکر می‌کنی برای پیشرفت بیشتر به چه چیزی نیاز داری؟

برای پیشرفت به تلاش و پشتکار بیشتر و به دنبال آن به اعتماد به نفس بالاتر نیاز دارم.

بیشتر بسرها اهل ورزش هستند. تو چه رابطهای با ورزش داری؟

عاشق ورزش کردن هستم و سعی می‌کنم برایم بالاتر از تفریح و سرگرمی باشد. الان بسکتبال را به‌طور حرفه‌ای دنبال می‌کنم و عضو تیم بسکتبال پاسارگاد هستیم. موسیقی را هم مثل ورزش حرفه‌ای دنبال می‌کنم و دنبال جنبه سرگرمی و تفریح آن نیستیم. الان

دروغ نگویید. حتی هنگام جریمه شدن...
چراغ قرمز رو رد کردین. مدارک لطفاً!
نویس سرکار. ننویس!
من پا به ماهم!! داشتم خودمو
می‌رسوندم بیمارستان!!
https://t.me/telegam.me/khosroanjom_majid

آیا می‌دانید تمساح از پروانه می‌ترسه؟
آیا می‌دانید قلب انسان توی خواب به دقیقه می‌میره؟
آیا می‌دانید خوردن سیب به همراه چای، رشد انسان رو کم می‌کنه؟
آیا می‌دانید نخل از سنگه؟
آیا می‌دانید من نشستم دروغ می‌گم و شما باور می‌کنید؟
آیا می‌دانید نباید از من ناراحت بشید؟
آیا می‌دانید لاک‌پشت بعد از سه‌ماهگی کجا می‌ره؟
می‌ره تو چهار ماهگی!
اگه ناراحت بشید، دلخور می‌شم ها!
دانشمندان پس از مدت‌ها تلاش توانستند به یک خرگوش خواندن و نوشتن یاد بدهند.
خرگوش در اولین جمله خود روی کاغذ نوشت: شما کار و زندگی ندارین؟!
این ترم از واحدهای خیلی راضی بودم. ترم بعدم باز همینارو برمی‌دارم.
هشکونو
جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.